

دیگه نه مداد و نه کتاب!

گیلبرت و دوستانش

دایان دی گروت | ریحانه جعفری



ناشر خیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!



سرشناسه: دگروت، دایان، ۱۹۴۷ - م.

De Groat, Diane

عنوان و نام پدیدآور: دیگه نه مداد و نه کتاب! نویسنده و تصویرگر: دایان دی گروت؛ مترجم: ریحانه جعفری.

مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۳۴ ص. مصور (رنگی). ۲۲ x ۲۹ س.م.

فروست: گیلبرت و دوستانش.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۲-۹۲۵-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: No more pencils, no more books, no more teacher's dirty looks!, c2006.

یادداشت: گروه سنی: ب، ج.

موضوع: داستان‌های تخیلی

موضوع: Fantastic Fiction

موضوع: مدرسه‌ها - داستان

موضوع: Schools -- Fiction

شناسه‌ی افزوده: جعفری، ریحانه، ۱۳۴۱ -، مترجم

رده‌بندی دیویی: ۱۳۰ ادا

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۶۱۳۰۱۷۸

۷۱۴۸۴۰۱

انتشارات پرتقال

گیلبرت و دوستانش: دیگه نه مداد و نه کتاب!

نویسنده و تصویرگر: دایان دی گروت

مترجم: ریحانه جعفری

ویراستار: سارا طباطبایی

مشاور هنری نسخه‌ی فارسی: کیانوش غریب‌پور

طراح جلد نسخه‌ی فارسی: نیلوفر مرادی

آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: آتلیه‌ی پرتقال / مینا فیضی - زهرا گنجی

مشاور فنی چاپ: حسن مستقیمی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۲-۹۲۵-۶

نوبت چاپ: اول - ۹۹

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لینوگرافی، چاپ و صحافی: شادرنگ

قیمت: ۲۹۰۰۰ تومان



۳۰۰۰۶۳۵۶۴



۰۲۱-۶۳۵۶۴



www.porteghaal.com



kids@porteghaal.com

تقدیم به مهربانی‌های محمدرضا مرزوقی

رج



No More Pencils, No More Books,
No More Teacher's Dirty Looks!

Copyright © 2006 by Diane deGroat

Published by HarperCollins Children's Books, a division of
HarperCollins Publishers

بر اساس قوانین بین‌المللی، حق انحصاری انتشار (Copyright)
No More Pencils, No More Books, No More Teacher's Dirty Looks! کتاب
به زبان فارسی در سراسر دنیا متعلق به نشر پرتقال است.



گیلبرت فریاد زد: «هورا!!! امروز آخرین روز مدرسه است.» و راه افتاد طرف در.
مادر گفت: «این هم کلوچه‌هایت. و هدیه‌ات برای خانم بیرد.» بعد کلوچه و هدیه
را گذاشت توی کوله‌پشتی گیلبرت.
گیلبرت که از در خانه می‌دوید بیرون، دستش را تکان داد و گفت: «یادت نرود
امروز عصر بیایی جشن. خانم بیرد جایزه‌ها را می‌دهد!»



پتی بیرون منتظر گیلبرت بود. انگار ناراحت بود. او گفت: «دلم برای مدرسه تنگ می‌شود. دوست دارم باز هم توی کلاس خانم بیرد باشم.»
گیلبرت گفت: «من هم همین‌طور. اما تعطیلات تابستان را بیشتر دوست دارم.»



وقتی رسیدند توی کلاس، خانم بیرد عدد روی تابلوی شمارش معکوس را عوض می‌کرد. دیروز تابلو می‌گفت که **دو روز دیگر تا تعطیلی مدرسه مانده!** امروز می‌گفت **یک روز تا تعطیلی مانده!** خانم بیرد انگار خیلی ناراحت نبود. لوییس دوید توی کلاس. داشت آواز می‌خواند: «دیگر نه مداد، دیگر نه کتاب، دیگر نه نگاه چپ‌چپ معلم‌ها...» خانم بیرد آوازش را شنید، اما چپ‌چپ نگاهش نکرد. فقط لبخند زد و گفت: «همه بنشینید. امروز صبح یک‌عالمه کار داریم. اولش میز تحریرمان را تمیز می‌کنیم.»



فیلیپ با افتخار گفت: «میز من که تمیز است.»
لوییس از حرف فیلیپ خوشش نیامد و گفت: «شاید تو جایزه‌ی میز تمیز را ببری.»
فیلیپ جواب داد: «نه. می‌خواهم جایزه‌ی بهترین روخوان کتاب را ببرم. می‌دانی که
من بهترین روخوان کلاس هستم.»